

تجدید نظر در دین جهانی ابراهیمی برای هماهنگی اهل کتاب و توجه آنان به یک وحدت عالی^۱

بحث یکم

تجدید نظر در دین ابراهیمی جهانی در عصر حاضر و تصفیه آن از عوارضی که آن دین الهی را در گذرگاه قرون متمادی پوشانده است، از با اهمیت ترین واجبات دینی و عقلی است، زیرا این دین جهانی که از طرف خداوند سبحان به پدر بزرگ ما حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شده، همان است که همه ما اهل کتاب را در اصول جامع و مشترکی متحد ساخته است. این اصول مشترک که معتقدات کلی همه ما را تشکیل می دهند، عبارتند از: توحید، نبوت، معاد، تکالیف الهی و حقوق و اخلاق عالی انسانی.

همین معتقدات است که یگانه عامل نجات انسان از پوچی هلاکت بار است که امروزه درهای امید انسان ها را به آن حیات سعادت مند و آینده بهتر - که اصیل ترین آرزوی آنان می باشد - بسته است.

ضرورت تجدید نظر پیرامون دین الهی جهانی، چیزی نیست که تنها حوادث جبری دوران معاصر ما، آن را برای ما تحمیل کرده باشد، بلکه ریشه های ضرورت اهتمام و تکلیف جدی ما به این تجدیدنظر، به نصوص کتب مقدس منتهی می شود که همه ما اهل کتاب را با اشتراک در عرصه زندگی مادی و معنوی سعادت آمیز دعوت می نمایند؛ به گونه ای که اگر اهل کتاب به آن نصوص اهمیت لازم می دادند، نه جنگ های صلیبی اتفاق می افتاد و نه غیر آن.

همه ما همواره با امثال این آیات در قرآن مجید رویاروی هستیم:

- ۱- قطعاً کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که به دین یهود گرویده اند و صابئین^۲ و نصاری، کسانی هستند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و عمل صالح انجام می دهند؛ برای اینان خوفی نیست و اندوهگین نخواهند بود.^۳
- ۲- بگو: ای اهل کتاب! بیایید همه ما به یک کلمه مشترک میان ما و شما بگوییم (آن کلمه این است): نپرستیم، مگر خداوند را و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را در برابر خدا، خدایان قرار ندهیم و اگر

۱- متن سخنرانی استاد محمدتقی جعفری در کنفرانس اسلام و مسیحیت در کشور سوئیس، در تاریخ پنجم و ششم آذرماه ۱۳۷۴ خورشیدی مطابق با بیست و هفتم نوامبر ۱۹۹۵ میلادی.

قسمت عمده این مقاله، نخست در تاریخ پنجشنبه شانزدهم اسفندماه ۱۳۶۳ خورشیدی در انجمن حکمت و فلسفه تهران ارائه شده است.

۲- صابئین = پیروان حضرت یحیی علیه السلام.

۳- سوره مائده / آیه ۶۹.

آنان [از این دعوت] روی گردان شدند، به آنان بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانیم.^۱
زیرا آن وحدت معقول، آرمان اعلای اهل کتاب (مسلمانان و مسیحیان و یهود) می باشد و دعوت صریح به آن وحدت، مقتضای دین جهانی ابراهیمی است که به صراحت قرآن، محمد ﷺ پیامبر اسلام از آن تبعیت نموده و آن را برای مردم تبلیغ نموده است.

سپس ما به تو وحی کردیم که از ملت حنیف ابراهیم تبعیت نما.^۲
اما وحدت اهداف انبیاء ﷺ و لزوم تبعیت از آنان، در قرآن چنین آمده است:

پیامبر به آن چه که از پروردگارش به او نازل شده، ایمان آورده است و همه مؤمنان به خدا و فرشتگان او و کتب و رسولان او ایمان آورده اند. ما میان هیچ یک از پیامبران خدا تفاوتی نمی گذاریم و [مؤمنان] گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. مغفرت را نصیب ما فرما و سرنوشت همه ما به سوی توست.^۳
هم چنین، وحدت معنا و اهداف کتب آسمانی، در قرآن این گونه بیان شده است:

۱- ما تورات را فرستادیم. در این کتاب، هدایت و نور است که پیامبرانی که به دین یهود گرویده اند، مطابق آن حکم می کنند [و هم چنین] انسان های الهی و روحانیون نیز مطابق آن چه که از کتاب خداوندی حفظ نموده اند، به پیروی از آن حکم می کنند و آنان بر آن کتاب شاهد بودند. پس از مردم نترسید و از من بترسید و آیات مرا در برابر ارزش اندک از دست ندهید و هر کس به آن چه که خداوند فرستاده است، حکم نکند، آنان هستند گروه کافران.^۴

۲- و به دنبال آنان عیسی بن مریم را فرستادیم که در مقابل خود، تورات را تصدیق می کرد و انجیل را به او دادیم. هدایت و نور در آن بود و تصدیق می کرد آن چه را که از تورات و هدایت و موعظه برای مردم پرهیزکار در مقابل خود داشت.^۵

۳- و برای تو فرستادیم کتاب را بر مبنای حق، که آن چه را [از کتب آسمانی] پیش رو داشت، تصدیق می کند و پیروی آن است. پس میان آنان به آن چه که خداوند فرستاده است، حکم کن و از هواهای آنان که [بر خلاف حق به تو فرستاده شده است]، پیروی مکن.^۶

سپس ما با کمال وضوح می بینیم که دین ابراهیمی که برای همه امت های جهانی است، چند بار در کتاب تورات تصریح شده است، از آن جمله:

خداوند به ابراهیم گفت: از سرزمین و خویشاوندان پدرت به سوی زمینی که به تو نشان خواهم داد، حرکت کن (هجرت کن) تا من تو را یک امت عظیم قرار بدهم و تو را مبارک و نام تو را با عظمت بسازم و تو خود برکت شوی. و من کسانی که تو را مبارک بدانند، مبارک می گردانم و کسی را که به تو لعنت کند، لعنت می کنم و همه مردم روی زمین به وسیله تو مبارک خواهند شد. (تورات سفر تکوین اصحاح دوازدهم)

در مورد دوم از تورات چنین آمده است:

و خداوند به ابراهیم پس از جدا شدن قوم لوط از او، چنین گفت: چشمت را باز کن و از آن محل که هستی، به طرف

۲- سوره نحل / آیه ۱۲۳.

۴- سوره مائده / آیه ۴۴.

۶- سوره مائده / آیه ۴۸.

۱- سوره آل عمران / آیه ۶۴.

۳- سوره بقره / آیه ۲۸۵.

۵- سوره مائده / آیه ۴۶.

شمال و جنوب و شرق و غرب نگاه کن، زیرا همهٔ زمینی را که تو می‌بینی، به تو و نسل تو خواهیم داد و من نسل تو را به قدر خاک زمین قرار خواهیم داد، تا آن جاکه اگر کسی بتواند دانه‌های خاک زمین را بشمارد، نسل تو قابل شمارش خواهد بود. برخیز و در طول و عرض زمین حرکت کن، زیرا آن را به تو عطا خواهیم کرد. (تکوین - اصحاح سیزدهم)

اما کتاب عهد جدید (انجیل) چنین می‌گوید:

من به شما می‌گویم: مردم فراوانی از مشارق و مغارب می‌آیند و به ابراهیم در ملکوت آسمان‌ها تکیه می‌کنند. (انجیل متی - اصحاح هشتم)

پولس بارها گفته است: ختنه کردن، انسان را فرزند ابراهیم نمی‌نماید، بلکه فرزندان او کسانی هستند که با قدم‌های ایمان حرکت می‌کنند. و ابراهیم پدر همهٔ ماست و خداوند او را پدر امت‌های فراوانی قرار داده است.^۱

بحث دوم

پیش از ورود به تحقیق وحدت دین جهانی ابراهیم عليه السلام، چند مقدمهٔ مختصر را برای توضیح مقصود خود در این مقاله متذکر می‌شوم:

مقدمهٔ یکم - منظور ما از وحدت جهانی دین ابراهیمی، آن نیست که همهٔ مؤمنین اهل کتاب دست از مذهب خاص خود بردارند تا در یک دین جهانی ابراهیمی شرکت نمایند. نه، هرگز! بلکه می‌گوییم: هر امتی دین خود را دارد و به عقاید و تکالیف آن پای‌بند خواهد بود. مسلمان، مسلمان است، مسیحی، مسیحی است، و یهود، یهودی است. هدف و منظور ما از این دین جهانی این است که: همهٔ ما ابراهیمیان در اعتقاد به اصول مشترکی که میان ما مورد قبول است، متحد شویم. کلیات این اصول عبارتند از: اعتقاد به خدا، صفات کمالیهٔ او، معاد و ابدیت، فرشتگان، تکالیف الهی (عبادات و امثال آن، هر کسی بر مبنای دین خود)، اخلاق فاضلهٔ اعلا و مانند آن‌ها در مسیر خود به سوی جاذبیت کمال اعلا.

مقدمهٔ دوم - مقصود از این کنفرانس و امثال آن چیزی نیست، جز همان هدفی که متذکر شدیم (اقدام جدی به محقق ساختن وحدت عالی برای اهل کتاب در دین ابراهیمی)؛ اگرچه رسیدن به نتایج مطلوب در راه این هدف به صرف انرژی‌های فکری و تحریک احساس‌های وجدانی فراوان و به اطلاعات گسترده و عمیق پیرامون ادیان الهی ابراهیمی نیازمند است و هم‌چنین احتیاج به بررسی نصوص اصلی در متون کتاب‌های مقدس و فعالیت‌های متنوع پیرامون مسائل مربوط دارد.

طبیعی است که چنین تحقیقی در یک زمان کوتاه و در تعدادی از کنگره‌ها و کنفرانس‌ها به دست نمی‌آید، بلکه به صرف وقت نسبتاً طولانی نیازمند است تا بتواند به نتایج واقعی و قطعی برسد.

مقدمهٔ سوم - مقصود از این کنفرانس و امثال آن، این نیست که یک بیانیه یا قطعنامهٔ رسمی برای صلح صادر کنیم تا ادیان ابراهیمی به وسیلهٔ آن، تمام شدن جنگ‌های صلیبی را میان مسلمانان و مسیحیان اعلان نمایند؛ چنان‌که بعضی از مردم گمان می‌کنند. نیز اختلافی در تکالیف الهی و اخلاقی - انسانی عالی که مستند به امور مزبور (خدا و معاد و...) بوده باشد، وجود ندارد تا ما یک قطعنامه، نه با عنوان جنگ‌های صلیبی و نه با عنوان دیگر موضوعات، برای متحد ساختن آن‌ها و اعلان پایان جنگ و آغاز صلح صادر نماییم، زیرا ادیان ابراهیمی

۱- ابراهیم ابوالانبیاء، تألیف محمود العقاد، ص ۸۵.

جهانی همه انسان‌ها را برادر یکدیگر می‌داند و میان آنان هیچ خصومت و کینه و عداوتی وجود ندارد. آن چه که موجب دشمنی و کینه‌توزی و عداوت میان بشر است، مستند به عواملی است که ما نمونه‌ای از آن‌ها را در این جا متذکر می‌شویم:

۱- خودخواهی افراطی که انسان را از برادرانش جدا می‌کند و آن دو را مانند دو دشمن خونخوار رویاروی هم قرار می‌دهد. این صفت پلید، معلول دوری از خداست که اساسی‌ترین عامل وحدت انسان‌ها به شمار می‌رود.

۲- نژادپرستی است که می‌تواند آتش خصومت را میان گروه‌های بشر شعله‌ور بسازد.

۳- قدرت‌پرستی و سلطه‌جویی بر دیگر انسان‌هاست که از «هدف دیدن خویشان و وسیله دیدن دیگران» ناشی می‌شود. این دو عامل (۲ و ۳) هم از نتایج خودخواهی است.

۴- جهل به ارزش‌های عالی انسانی.

۵- جهل به حقیقت دین و هدف‌ها و علل آن. بنابراین، جنگ‌هایی که دود از دودمان بشر درمی‌آورد، امور یادشده بوده است که برای توجیه خویشان، به دفاع از دین و حق و عدالت تمسک می‌کند. او (بشر) با این حرکت نابخردانه خود، به بهانه دین و حق و عدالت، خود همین حقایق را نابود می‌سازد!! و با توجه به این حقیقت است که می‌توانیم به خطای بعضی از مورّخین جنگ‌های صلیبی آگاه شویم که گمان کرده‌اند یگانه علت جنگ‌های صلیبی، انگیزه‌های دینی بوده است! حقیقت این است که زعماء و فرماندهان آن جنگ‌ها توانسته بودند دین را بهانه نموده و یکی از فجیع‌ترین آدم‌کشی‌هایی را که سه یا چهار قرن طول کشیده، خون بی‌گناهان را به زمین ریخته و موجب ناگواری‌ها و مصیبت‌های فراوان شده است، به راه بیندازند.^۱

آن چه که امروزه برای ما واجب می‌باشد، این است که درباره وحدت کلمه ما اهل کتاب، پیرامون ابراهیم و دین جهانی او که - همه ما در آن مشترک می‌باشیم - قطعنامه رسمی صادر نماییم.

بحث سوم

از مهم‌ترین مسائلی که در موضوع این کنفرانس باید مورد تحقیق قرار بگیرد، منابع و مآخذی است که بتوانند دین ابراهیمی را برای ما ارائه بدهند. این منابع و مآخذ بر دو نوع است:

الف - کتب مقدّسی که اهل کتاب به آن‌ها ایمان دارد و در عقاید و تکالیف و اخلاق به آن‌ها استناد می‌نمایند.

ب - فطرت پاک و عقل خالص و منزّه از آلودگی‌های اوهام و تخیلات است.

نوع اول - کتب مقدّس عبارتند از: قرآن و انجیل و تورات. بدیهی است که در این کتاب‌ها، تعدادی اصول و

قضایای صریح به عنوان عقاید، تکالیف، حقوق و اخلاقیات دین ابراهیم وارد نشده است، بلکه در آن کتب، حقایق

مزبور را از قضایا یا صفات مستند به ابراهیم علیه السلام استخراج خواهیم کرد، زیرا هر صفت اختیاری برای انسان، از

اعمال و گفتارها و اندیشه‌های اختیاری او حاصل می‌شود، مانند علم، عدالت، مدیریت، اخلاق فاضله و امثال

آن‌ها. این اعمال و اقوال و افکار، یا به تکالیف و احکام صادر از خداوند سبحان به وسیله وحی مستند است و یا

۱- بنگرید به: الف - جهاد مسلمانان در جنگ‌های صلیبی، تألیف دکتر فائد حماد. ب - تاریخ تمدن ویل دورانت. ج - عصر ایمان و جنگ‌های صلیبی و علل و آثار آن، تألیف عبدالله ناصری طاهری. د - تاریخ آلبرماله، جول ایزاک. ه - جنگ‌های صلیبی در نظر شرقی‌ها، تألیف انیس معلوف.

- به آن چه که وجدان صاف و آگاه در حقایق عالی حیات حکم می‌کند، متکی می‌باشد.
- نوع دوم- اما آن قضایای شخصی و صفات خصوصی حضرت ابراهیم علیه السلام که در کتب مقدس آمده است، مانند مأموریت الهی او برای ذبح فرزندش اسماعیل یا اسحق علیه السلام و مانند صفت نبوت و مانند این امور که از حیطة اختیار آدمی خارج است، نمی‌تواند منشأ تکلیف برای ما باشد.
- اینک، نخست می‌پردازیم به آن صفات عالی ابراهیمی که در قرآن آمده است:
- ۱- صدق در حدّ اعلا در سخن و کردار و اندیشه. (مریم / آیه ۴۱)
 - ۲- پیروزی مطلق در آزمایش‌های شدید. (بقره / آیه ۱۲۴)
 - ۳- تطهیر خانه خدا و آماده ساختن آن برای عبادت. (بقره / آیه ۱۲۵)
 - ۴- اشتیاق کامل به امنیت و صلح و معیشت زیبا برای مردم. (بقره / آیه ۱۲۶)
 - ۵- بازگشت (توبه) به خدا. (بقره / آیه ۱۲۸)
 - ۶- اعتقاد به اسلام (دین فطرت). (بقره / آیات ۱۳۲ و ۱۳۱ و ۱۲۸)
 - ۷- آموزش عبادت و تکالیف الهی. (بقره / آیه ۱۲۸)
 - ۸- اشتیاق به بعثت رسولان برای تلاوت آیات خداوندی و تعلیم کتاب و حکمت به فرزندان (همه مردم) و تزکیه آنان. (بقره / آیه ۱۲۹)
 - ۹- تشویق و ترغیب برای تحصیل رشد و کمال و نهی از روی‌گردان شدن از کمال که مقتضای دین ابراهیم است. (بقره / آیه ۱۳۰)
 - ۱۰- پیروی از دین حنیف که مقتضای فطرت و رنگرزی اصل انسانی است. (بقره / آیات ۱۳۸ و ۱۳۵) و (آل عمران / آیه ۶۷)
 - ۱۱- اعتقاد به توحید. (بقره / آیات ۱۳۸ و ۱۳۵) و (آل عمران / آیه ۶۴)
 - ۱۲- دوستی اصیل که ناشی از تقرب به خدا به وسیله اعتقادات سالم و اعمال صالح است. (نساء / آیه ۱۲۵)
 - ۱۳- اعلان مخالفت با مشرکین. (انعام / آیه ۷۴) و (توبه / آیه ۱۱۴)
 - ۱۴- بینایی به ملکوت آسمان‌ها و زمین. (انعام / آیه ۷۵)
 - ۱۵- رسیدن به درجه یقین (به خدا و به حقایق غیبی). (انعام / آیه ۷۵)
 - ۱۶- اهمیت دادن به عقل و استدلال برای اثبات حق. (انعام / آیات ۷۶ الی ۷۹)
 - ۱۷- مراعات ادب و احترام در بحث و احتجاج. (انعام / آیات ۷۶ الی ۷۹)
 - ۱۸- ارائه امن‌ترین راه برای اعتقادات. (انعام / آیات ۸۰ الی ۸۳)
 - ۱۹- اخلاص در همه عبادات برای خداوند متعال. (انعام / آیه ۱۶۲)
 - ۲۰- توجیه زندگی و مرگ، فقط برای خدا. (انعام / آیه ۱۲۶)
 - ۲۱- صبر و بردباری. (توبه / آیه ۱۱۴)
 - ۲۲- مناجات با خدا. (توبه / آیه ۱۱۴)
 - ۲۳- رحم و محبت برای مردم. (ابراهیم / آیه ۳۶)

۲۴- شریعت آسان و بدون مشقت. (حج / آیه ۷۸)

۲۵- اسناد آفرینش و هدایت و اطعام و سیراب کردن و شفاء و میراندن و زنده کردن به خداوند. این اسناد،

مربوط به قانون عام «لا حول و لا قوه الا بالله» می‌باشد. (شعراء / آیات ۷۸ الی ۸۱)

۲۶- قبول حاکمیت از طرف خداوند متعال. (شعراء / آیات ۷۸ الی ۸۱)

۲۷- توکل بر خدا. (ممتحنه / آیه ۴)

۲۸- اعتقاد به این‌که سرنوشت همه مردم به سوی خداست. (ممتحنه / آیه ۴)

۲۹- رشد و کمال از طرف خداوند عنایت می‌شود. (انبیاء / آیه ۵۱)

صفات حضرت ابراهیم علیه السلام از دیدگاه تورات و انجیل

در کتاب تورات، صفاتی به حضرت ابراهیم علیه السلام نسبت داده شده است که کشف از وصول آن حضرت به عالی‌ترین درجات رشد و کمال انسانی می‌نماید. نمونه‌ای از آن صفات بدین قرار است:

۱- ابراهیم به تنهایی یک امت عظیم الهی است. (تورات - تکوین - اصحاح دوازدهم ۱ - ۳)

این صفت را در قرآن مجید نیز مشاهده می‌کنیم: «ابراهیم به تنهایی یک امت مطیع خداوندی و رستگار می‌باشد.» (نحل / آیه ۱۲۳)

۲- خداوند، ابراهیم را مبارک و عطاکننده برکت قرار داده است. (تورات - تکوین - اصحاح دوازدهم ۱ - ۳)

۳- خداوند همه مردم روی زمین را به وسیله ابراهیم علیه السلام برکت داده است. (تورات - تکوین - اصحاح دوازدهم ۱ - ۳)

۴- دین ابراهیم، روی زمین را از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب فرا خواهد گرفت. (تورات - تکوین - اصحاح دوازدهم ۱ - ۳)

۵- خداوند به ابراهیم ظاهر شد و ابراهیم او را دید. (تورات - تکوین - اصحاح هفدهم - ۱)

۶- ابراهیم به رشد و کمال رسیده است. (تورات - تکوین - اصحاح دوازدهم ۲)

۷- خداوند عهد نبوت و امامت بر همه مردم را به ابراهیم عطا نموده است. (تورات - تکوین - اصحاح دوازدهم ۱ - ۳)

در عهد جدید (انجیل)، سخن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام در بیش از سی مورد آمده است. در این موارد، تمجید و تعظیم برای آن حضرت فراوان ذکر شده است، مانند:

۱- او پدر همه امت‌هاست.

۲- او خلیل الله (دوست خاص) خداست.

۳- امت او زمین را به ارث می‌برند.

اگر ما در آنچه که در قرآن و انجیل و تورات آمده است، دقت کنیم، خواهیم دید این کتب مقدس در این‌که

۱- این مقام عظیم برای ابراهیم علیه السلام در قرآن در سوره بقره / آیه ۱۲۴ چنین آمده است: «در آن هنگام که خدای ابراهیم، ابراهیم را با تعدادی کلمات (اعمال) آزمایش نمود و آن حضرت از عهده آزمایشات برآمد، خداوند فرمود: من تو را امام (پیشوا) برای همه مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: آیا از نسل من هم به پیشوایی می‌رسند؟ خداوند فرمود: پیمان پیشوایی [که من مقرر می‌دارم]، به ستمکاران نمی‌رسد.»

او پدر همه ما اهل کتاب است، اتفاق نظر دارند. اگر ما به دین این پیامبر بزرگ که از طرف خدا آمده است، ایمان بیاوریم، در دین جهانی ابراهیمی - که دین فطرت و وجدان صاف و عقل سلیم است - هماهنگ خواهیم شد. ما امروز اعتراف می‌کنیم: در ابتدای راهی هستیم که خداوند متعال با حرکت در این راه، همه ما را در یک مجتمع برای رسیدن به وحدت عالی دینی یاری خواهد کرد. از مشکلاتی که در سپری کردن این راه رو به حقیقت وجود دارد، نباید هراسی به خود راه بدهیم، زیرا سپری کردن راهی که ما را به حیات سعادت‌مندان خواهد رساند، از مهم‌ترین وظایف ماست؛ خصوصاً در تفسیر کتب مقدس و توجیه محتویات آن‌ها برای استنباط دین ابراهیمی جهانی که بدون آن نمی‌توانیم به نتایج مطلوب خود برسیم. بنابراین، همه ما در برداشتن این گام سازنده به خدا توکل می‌کنیم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پاسخ به یکی از شخصیت‌های بزرگ سوئیس که در کنفرانس اظهار کرد: مسیحیان از اسلام می‌ترسند.

در روز دوم کنفرانس اسلام و مسیحیت، شهردار شهر «بیل بن» که کنفرانس در آن جا تشکیل شده بود، با کمال صراحت، صحبت از ترس برادران مسیحی از مسلمانان را به میان آورد.

استاد جعفری چنین پاسخ دادند:

هیچ علتی برای ترس برادران مسیحی از مسلمانان و برای ترس مسلمانان از مسیحیان وجود ندارد، زیرا این دو گروه با داشتن عقایدی مشترک درباره خدا و ابدیت و اصول عالی اخلاق، برادران یکدیگرند، و برای ترس، هیچ انگیزه‌ای وجود ندارد. بر این اساس بوده است که مردم این دو دین در طول قرون و اعصار با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند، جز در دوران جنگ‌های صلیبی که آن هم معلول دین نبوده است؛ چنان‌که از تحلیل دقیق تاریخ به دست می‌آید.

آن‌چه که به عنوان عامل ترس باید محسوب شود، سلطه‌گری‌های فرهنگی و اقتصادی و امثال این امور است که به انگیزگی به دست آوردن تسلط بر دیگران، همزیستی سالم را مختل می‌سازد و ما همان‌گونه که در اثناء این کنفرانس مشاهده نمودیم، تفاهم و تسالم و احساس وصول اعضاء به یکی از آرمان‌های اصیل خود می‌باشد. متأسفانه آن‌چه که موجب اضطراب و نگرانی حال و آینده است، عملیات رادیوها و تلویزیون‌ها و دیگر رسانه‌های گروهی است که حقایق و واقعیت جوامع اسلامی را مشوّش و منحرف می‌سازند. آیا می‌دانید ترس از چیست؟ ما باید از جهل بترسیم. همان‌گونه که در حکمت اسلامی و مسیحیت آمده است، جهل درد بزرگی است. متنتی می‌گوید:

برای هر دردی دوايي است که با آن دوا معالجه‌اش می‌کنند، مگر نادانی که ناتوان کرده است هر کس را که بخواهد آن را معالجه کند.

جهل، حجاب ضخیمی است که نمی‌گذارد از ماهیت و مختصات یکدیگر مطلع شویم، و بدیهی است که مشترکات ما مسلمانان و هم‌چنین در کتب مقدّس و فلسفه‌های مثبت، بیش از آن است که ما با وجود آن‌ها از همزیستی دینی و فرهنگی و اقتصادی ناتوان بمانیم.

من معتقدم: اگر ما مسلمانان و مسیحیان در این برهه حساس از تاریخ نتوانیم به خاطر بردگی در مقابل سلطه‌جویی و ثروت، موفق به تفاهم برای «وحدت معقول» شویم، قطعی است که انسان‌ها و تاریخ‌قرن‌های آینده، این ناتوانی ما را از آماده‌کردن واجب‌ترین وسیله‌ی حیات سالم، نبخشیده و ما را همان‌گونه ملامت خواهند کرد که ما پدیده‌ی بردگی را در دوران‌های قدیم ملامت می‌کنیم که از برخورداری از بدیهی‌ترین عامل زندگی شایسته - که آزادی است - ناتوان بوده‌اند.

آیا گمان می‌برید ما برای اثبات برادری دینی به عنوان پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام، به بیش از آن چه که در کتب مقدس ما آمده است، نیازمندیم؟!

همه‌ی ما فرزندان ابراهیم خلیل علیه السلام در دین الهی هستیم که قرآن آن را دین فطرت نامیده است. ما واجب می‌دانیم از برگزارکنندگان این کنفرانس، خصوصاً از استاد گالتونگ رئیس محترم کنفرانس تشکر کنیم که حقایق فراوانی را با دقت عالی مطرح نمودند.

پایان دادن به جنگ‌های صلیبی^۱

اعلامیه صلح

ما در این‌جا، در شهر «Biel/Bienne» سوئیس در روز ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵ به تقویم مسیحی جمع شده‌ایم. نهصد سال بعد از «Pope Urban 2» که به عنوان اولین جنگ صلیبی در شهر کلرمونت فرانسه در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۰۹۵ شناخته شده است، و تقریباً دو قرن بعد (سال ۱۲۹۱) جنگ‌های صلیبی پایان یافت. اما یک اعلامیه صلح واقعی هرگز نداشتیم و جنگ‌های صلیبی در تاریخ به عنوان نمونه‌ای از چگونگی توجیه مذهبی به کار رفته است. حتی امروزه به خاطرات جمعی و افکار افراطی صلیبی پافشاری می‌شود. وظیفه ما این است که با یکدیگر کار کنیم تا بر این عملکرد غلبه کنیم و به این طرز تفکر و روحیه صلیبی پایان بدهیم.

حامیان مسیحیت، از مسلمانان و مسیحیان شرقی و خواهران و برادران یهودی می‌خواهند که برای نابودی، خون‌ریزی و قساوت تحمیل شده از طرف آن‌ها در طی جنگ‌های صلیبی طلب عفو کنند. دو دین بزرگ ابراهیمی، دارای یک پیشینه تاریخی منسجم و توسعه‌یافته همراه با چالش‌های فکری و جنگ بوده، هم‌چنین مشارکت غنی صلح‌جویانه دارند. حتی اگر صلیبیتون در ظلم‌شان استوار و پایدار بودند، ما مایلیم در تاریخ مشترک‌مان و سرنوشت‌مان تمرکز داشته باشیم.

۱- اعلامیه کنفرانس اسلام و مسیحیت.

تاریخ‌دانان مان را برای پیگیری تحقیق پیرامون روابط اسلام و مسیحیت تشویق می‌کنیم و به نقاط روشن، بیش‌تر از سایه‌ها توجه می‌کنیم، و به این منظره در سیستم آموزشی مان بیش‌تر از دشمنی و انتقام‌گیری ارزش می‌دهیم.

در روز ۲۷ نوامبر ۱۹۹۵، در غم و غم‌خواری برای قربانیان گمراه‌شدهٔ خشونت متأسفیم و عمیقاً اندوهگینیم. ما همدیگر را در حالی ملاقات می‌کنیم که برای قربانیان آداب و رسوم و گفتگوهای مذهبی و معنوی بزرگ و امروزی جهان، خوش‌آمد می‌گوییم.

اجازه دهید صد هزار شکوفهٔ گفتار مذهبی میان مسیحیان، مسلمانان و مذاهب دیگر، در تمام سطوح و زمینه‌ها در مورد بیم از یکدیگر و در مورد جذب همدیگر و دربارهٔ راه‌حلی برای مشکلات مشترک مان، جوانه بزند؛ که اگر چنین نباشد، سطح دانش ما نسبت به هم پایین و تقریباً منفی خواهد بود. برای روبه‌رو شدن با نقاط مخالف و شناختن آن‌ها و احترام گذاشتن به هم، جرأت مان را بیش‌تر کنیم. ما باید جرأت پیدا کنیم تا در مورد هراس‌های دو طرف بحث کنیم. ما بر تمام خشونت‌ها دلسوزی می‌کنیم و از رهبران مذهبی مان می‌خواهیم تا از به‌کارگیری «خشونت و جنگ به نام مذهب»، اجتناب و تقبیح کنند، زیرا پایه‌های قرآنی و انجیلی بر گفتار و عدم خشونت اصرار ورزیده است. اجازه دهید به عنوان پیروان مسیحیان پایدار در تمام آزمون‌ها که مسلمانان و اسلام را به عنوان یک تهدید جدید مجسم می‌کنند، تفکر و برخورد تمدن را بر پایهٔ یک رسالت تکمیل برآوریم. اجازه بدهید به عنوان مسلمانان پایدار در تمام آزمون‌ها که مسیحیان و مسیحیت را به عنوان یک دشمن همیشگی و به عنوان یک «تمدن صلیبی» مجسم می‌کنند، مقابله و مقاومت نشان بدهیم.

ما همه نوع فشارهای سیاسی را تقبیح می‌کنیم. اشخاصی که میان ما اقامت گزیدند، باید کاملاً مورد قبول واقع شوند. مسیحیان و مسلمانان، نه تنها از لحاظ جغرافیایی همسایه هستند، بلکه امروزه زندگی مان به هم بستگی دارد، همانند تاریخ مان در ممالک یکدیگر.

ما همه نوع استثمار اقتصادی را تقبیح می‌کنیم. خودمان مرتکب ترویج عدالت اجتماعی هستیم و شکل‌های پیکار نابرابری را بر پایهٔ هویت دینی برپا می‌کنیم. تجارب میان مناطق مختلف مذهبی دینی باید منصفانه باشند، برای این‌که به عنوان یک پایه و اساس برای زندگی مشترک با آرامش به کار گرفته شود.

بیانیهٔ کنفرانس اسلام و مسیحیت در سوئیس

نسخهٔ بیانیه که در پایان کنفرانس اسلام و مسیحیت قرائت شد، با جملهٔ زیر آغاز می‌شد:

More concretely the adherents of Islam and Christian propose the following.

جمع کثیری از پیروان اسلام و مسیحیت قرار ذیل را مطرح نمودند.

این جمله، الهی بودن دو مذهب را در بر نداشت. از این‌رو، با پیشنهاد استاد جعفری، جملهٔ مذکور به صورت

زیر تغییر داده شد:

More concretely the followers of the divinely revealed messages of Islam and Christianity propose the following:

پیروان اسلام و مسیحیت، پیام‌های ابلاغ شده دو مذهب الهی را از جانب خداوند به شرح زیر مطرح کردند:

۱- ما، مسیحیان و مسلمانان و دیگر مذاهب را به گفتگوهای حقیقی تشویق می‌کنیم تا در فهم و درک دیگر مذاهب و راه و روش‌های پیروان آن‌ها تلاش بکنیم.

۲- ما از ابتکار توسعه اصولی مدارس در رشته تاریخ، تحصیلات کشوری و مذهبی، خصوصاً اصولی در مورد این دو مذهب که برای هر کدام از دو طرف قابل قبول است، حمایت می‌کنیم.

۳- ما از پیروان دو مذهب خواستاریم: از آزادی سخن، هنگامی که صحبت می‌کنند و می‌نویسند، در مورد همدیگر (دو مذهب) سوء استفاده نکنند.

۴- ما، مسیحیان و مسلمانان و پیروان دیگر مذاهب را به جستجوی راه‌های همکاری با یکدیگر، برای یکی دانستن، توسعه بیش‌تر و عملی کردن القاء آیین صلح، آزادی، عدالت اجتماعی، ارزش به خانواده و شأن انسانی، تشویق می‌کنیم.

۵- ما، مسیحیان و مسلمانان و پیروان دیگر مذاهب را به جستجوی راه‌های همکاری با یکدیگر، برای یکی دانستن، توسعه بیش‌تر و عملی کردن شکل‌های ساده‌ای از حل درگیری‌های فکری، تشویق می‌کنیم.

۶- ما، مسیحیان و مسلمانان و پیروان دیگر مذاهب را در هر جایی که زندگی می‌کنند، به تأسیس یک مجلس دائمی مذاهب داخلی برای ایجاد احترام متقابل بیش‌تر، صلح و امنیت، و حمایت از حقوق بشر در تمام گروه‌ها تشویق می‌کنیم.

۷- ما، اشتیاق‌مان را به بحث با رسانه‌های مردمی مسئولانه‌تر و شکل‌های پیش‌بردی روزنامه‌نگاری اعلام می‌کنیم.

۸- ما در سالروز جنگ‌های صلیبی، به مسیحیان و مسلمانان و پیروان دیگر مذاهب می‌گوییم که بردبار و صبور باشند؛ باید قلب‌ها و افکارمان را به روی یکدیگر باز کنیم.

به جای حس خطر، هنگامی که شخصی مخالف است، اجازه بدهیم با لذت از فرصت یادگیری پر بشود و برای زندگی در صلح و ایجاد صلح تکمیل بشود؛ هنگامی که پیام‌های ابتدایی پرستش به ما اجازه می‌دهد تا راه‌های جدید اعمال و گفتار را پیدا کنیم.

همانند چیزهای دیگر جهان، این دو مذهب بزرگ، موضوع رشد و توسعه می‌باشند. این در تفسیر روح آزاد مذهبی یک شخص است.

اجازه دهید، نهصد سال آینده، دوره‌ای باشد از صلح و آرامشی که در افکارمان می‌سازیم و در اعمالمان نشان می‌دهیم.